

چگونه وصیتنامه خود را بنویسیم ؟

وصیت چند قسم است ؟ وصیت تملیکی یعنی چه و وصیت عهدی کدام است ؟
چند بار میتوان وصیت کرد
و تا چه میزان از دارائی را میتوان بخشید ؟

وصیت نامه رسمی - سری - خود نوشت

آیا وصیت نامه‌ای که با ماشین تحریر نوشته

شده باشد ، وصیت خود نوشت بشمار میرود ؟

ایوای امروزه نشد، انشاءالله همین هفته خواهیم نوشت!

حالاکه بحمدالله تعالی گوش شیطان کر و چشم حسود کور همه کارهای دنیوی ما اصلاح شده و زندگانیمان مانند دسته گل منظم و مرتب است چطور است کسی هم بفکر آخرت باشیم؟ البته منظور آن نیست که مجله «حقوق امروز» در نظر دارد از مقصد خود که تفهیم حقوق امروزی مردم با ناست عدول کند و وظیفه و عاظ و مذکرین را بعهده بگیرد و مردم را بمسئولیت‌های عقبی و حقوق فرداشان آشنا سازد ، بلکه منظور از همین نوشته هم اینست که آندسته از خوانندگان عزیز که قصد دارند وصیتنامه خود را تنظیم کنند بتوانند آنرا بر اساس حقوق و مقررات جاریه فعلی تنظیم کنند تا وصیتنامه‌شان مؤثر و معتبر باشد و خیالشان راحت باشد که در موقع باز کردن وصیت و عمل بان، کسی نمیتواند بز آن وصیتنامه انگشت بگذارد و یا خللی در آن بیابد تا آنرا بی اعتبار جلوه دهد (همچنانکه بارها اتفاق افتاده که کسی وصیت نامه خود را تحریر کرده و خیالش ظاهراً راحت شده اما وقتی که پس از فوت او، آن وصیتنامه را گشوده اند مشاهده شده که آن وصیتنامه بعلت عدم انطباق با موازین شرعی و عرفی اساساً باطل و یا آنکه غیر نافذ و غیر قابل اجرا است). بنابراین اینک با کمال اختصار و بزبان ساده سطور آینده برای خوانندگان که بان نیاز دارند نوشته میشود :

از آنجهت روی اختصار و سادگی تکیه میکنم که از ضمیم قلب ما یلم وقت خواننده

بخواندن توضیحات زاید تلف نکردد و فکر او از هضم اصطلاحات ثقیل و نامأنوس حقوقی خسته نشود.

در آداب نماز جماعت مقرر شده که مستحب است امام (پیش نماز) رعایت حال اضعف مأمومین (ناتوان ترین اقتدا کنندگان) را بنماید یعنی فی المثل وقتی بسجود برود که یقین داشته باشد فلان پیرمرد ضعیفی هم که در صفوف آخر ایستاده است نیز سرازیر گوی برداشته و آماده سجود رفتن است و باز بهمان اندازه که آن پیرمرد تاب و توان ماندن بحال سجود را دارد، امام در سجده بماند. من بنده هر گاه که میخواهم برای «حقوق امروز» چیزی بنویسم فکر میکنم مناسب باشد که در این مورد نیز آن استحضاب را سر بیان بدهم و نوشته خود را فقط برای اهل اصطلاح ننویسم بلکه در انتخاب موضوع و شیوه نگارش، غیر اهل اصطلاح را در نظر بگیرم یعنی در درجه اول آنچه را که مینویسم (باصدق قلبی و قطعی بری قابلیت آن) برای فی المثل فلان طبیب و مهندس و کارگر و بازرگان و کاسب که قسمت عمده ای از خوانندگان شریف و گرامی مجله را تشکیل میدهند قابل استفاده باشد زیرا آنکه اهل اصطلاح و وارد بمقررات حقوقی است خود میدانند چه بکنند و چه بخواهند و چه بنویسد و نیازی نیست که در یکی دو صفحه ای که «حقوق امروز» در اختیار من بنده گذارده است عمل اهل اصطلاح را توجیه و تشریح کرده و آنرا در قالب اصطلاحات علمی و فقهی بگذارم.

بدینجهت این نوشته مخصوص غیر اهل اصطلاح است. امید آنکه خوانندش بان غیر اهل اصطلاح چیز تازه بیاموزد و دردی از او دوا کند و از بیم آنکه مبادا وقت عزیز خواننده اهل اصطلاح با مرور و مطالعه آنچه را که خود بهتر میداند، تلف شود و فرصت کنار گذارده شده ای که اشخاص غیر حقوقی لطفاً برای خواندن این مجله اختصاص میدهند باوقوف بر بعضی اصطلاحات ثقیل که هیچگونه اثر عملی بر ایشان ندارد هدر گردد.

من چنین فکر میکنم که فی المثل مدتی است فلان طبیب یا کاسب محترم در صدد است و صیتنامه خود را تنظیم کند و شاید هر هفته و بلکه هر روز این فکر در خاطر او خلجان میکند و دائماً دلش میریزد و نگرانی بر او مستولی میشود که: ای وای امروز هم نشد انشاء الله همین هفته خواهم نوشت. ولی کار روزمره، و وقت فشرده، و از همه بالاتر، عدم اطلاع او بر مبانی و موازین حقوق، با اجازه عملی کردن تصمیمش را نمیدهد و بدبختانه بمللی نمیخواهد! و یا نمیتواند با مشاوره معتمدی مشورت کند، و از او بخواهد که نیت و اندیشه او را بنحوی مطلوب و صحیح روی کاغذ بیاورد لذا اینک این نوشته را از طرف مجله حقوق امروز باو هدیه میکنم و آنرا طوری مینویسم که عملاً برایش قابل استفاده باشد و او را از سرگردانی و ندانم کاری برهاند.

قبل از هر چیز خواننده عزیز باید بداند که وصیت، عقدی جائز است یعنی چنان نیست که اگر کسی وصیتی کرد، دیگر نتواند در آن تغییر و تبدیل داده و یا شخصاً عملی برخلاف آنچه وصیت کرده است انجام دهد، بلکه، برعکس، کسیکه وصیتی کرده بدون هیچ اشکالی

آیا وصیت را فقط یکمرتبه میتوان نوشت؟

میتواند ، هر وقت بخواهد ، وصیت قبلی خود را کتباً یا عملاً ابطال و الغاء کند و وصیت جدیدی بنویسد یا دیگر مطلقاً وصیتی نکند . پس اگر شما قبلاً وصیتی کرده‌اید و اکنون ازمفاد آن رضایت نداشتید ، و یا قصد تغییر آنرا دارید ، میتوانید پهنحوکه بخواهید در چهارچوب مقررات از نو وصیتنامه دیگری بنویسید و وصیت قبلی خود را باطل کنید . یا اگر از این میترسید که چنانچه اکنون وصیتنامه خود را بنویسید و مثلاً بموجب آن ملك یا مالی را پس از مرگ بکسی واگذار کنید ، بعدها که ممکنست آن ملك یا مال مورد احتیاج خودتان باشد ، دیگر بدان دسترسی نداشته باشید و وصیت ، آنرا از ملکیت شما خارج کرده باشد ، از این نیز ترسید زیرا هر لحظه‌ایکه بخواهید ، میتوانید آنچه را قبلاً نوشته‌اید (اعم از رسمی و عادی) باطل کنید .

وصیت چند قسم است؟

باز باید بدانید که وصیت دو قسم است که نام یکی را «عهدی» و نام دیگری را «تملیکی» گذارده‌اند . در وصیت عهدی وصیت

کننده از وصی خود خواهش میکند که پس از مرگ او فلان عمل مشروع و مجاز را انجام دهد (مثلاً جسدش را کجا ب خاک بسپارد - اموالش را بر طبق مقررات میان وارثانش تقسیم کند - سرپرستی فرزند صغیرش را بعهده بگیرد - در تربیت و تعلیم فرزندان بچه سان نظارت و دخالت کند و امثال این امور) که در آن ، وصیت کننده میتواند ناظر یا نظاری را جهت نظارت و مراقبت در حسن اجرای مفاد وصیتنامه ، بروسی یا اوصیا ، بگمارد ، و بوسی یا اوصیا حق تعیین وصی دیگر پس از خودشان بدهد .

اما در وصیت «تملیکی» ، وصیت کننده ، مال یا ملک را پس از خود بشخص یا اشخاصی واگذار میکند اعم از آنکه آن شخص یا اشخاص ، بیگانه ، یا با وصیت کننده منسوب باشند ، و از جمله وراثت او باشند یا نباشند ، مشروط بر آنکه آنکسی که وصیت بنفع او میشود اهلیت برای مالکیت و قبول انتقال را داشته باشد یعنی انسان و موجود باشد یا اگر هنوز در رحم مادر است زنده بدنمایید . پس توجه فرمودید که طبق مقررات اسلامی و ایرانی کسی نمیتواند بنفع سگ یا گربه یا اسب و طوطی خود (آنچنانکه بعضی کم عقلان پر پول و در دیگر نقاط دنیا عمل میکنند) وصیتی کند .

چه مقدار از «ماترك» را میتوان وصیت کرد؟

آنچه که دانستن آن در اینجا برای خوانندگان کمال اهمیت را دارد اینست که : هیچ وصیت تملیکی که مورد وصیت آن زاید بر ثلث (یک سوم) از ماترك وصیت کننده باشد ، نسبت بمزاد بر ثلث نافذ نیست مگر اینکه هر يك از وراثت وصیت کننده سهم خود ، آن وصیت

را بر میزان زاید بر ثلث اجازه و تنفیذ کنند . پس خواننده توجه دارد که هیچکس نمیتواند بیشتر از یک سوم از اموال و املاکی را که پس از فوتش (بعد از وضع و کسر بدهی های مسلم او و حقوقی که دیگران بر او و اموال او دارند) بعنوان ماترك او باقی میماند ، مورد وصیت تملیکی قرار دهد بطور مثال اگر بنده نویسنده دو باب خانه دارم و پس از فوتم یکباب

از این دو باب خانه برای پرداخت بدهی‌ها و تأمین هزینه‌های ضروری حین النوتم اختصاص داده شده است (یاوراث و طلبکاران آنرا بدین منظور انتخاب کرده‌اند) (بشرحیکه در قانون امور حسبی مقرر است) فقط معادل دودانگه مشاع از آن یکباب خانه دیگری را که بملکیت من باقی میماند - (یعنی بعنوان ماترک من مشخص میشود) میتوانم مورد وصیت تملیکی قرار دهم و فقط همان دودانگه را میتوانم بکسی ببخشم ، ولی اگر مثلاً سه دانگه آنرا وصیت کنم نسبت بیکدانگه مازاد بر دودانگه وصیت من نافذ نیست (یعنی معتبر نیست) مگر آنکه ، وارث یا وارثانم وصیت مرا نسبت بان یکدانگه دیگر نیز حسب السهم خود قبول کنند و اجازه دهند و بر همین قیاس است در مورد سایر اموال و حقوق .

پس کسیکه میخواهد نسبت باموال خود وصیتی کند باید بداند که میزان یکسوم از آنچه پس از فوتش باقی میماند ، میتواند اختیار دارد و وصیت کند و دو سوم بقیه متعلق بوراث اوست و ارتباطی بخود او ندارد . و قانوناً کسی نمیتواند همه وراثت یا بعضی از آنها را بموجب وصیت از سهم الارث محروم کند .

البته هر کس میتواند تا زنده است تمام یا قسمتی از آنچه را که دارد بهر کس (اعم از خویش و بیگانه) در قبال عوض یا بلا عوض منتقل کند یا ببخشد (بر طبق مقررات جاریه و موضوعه برای هر مورد) . اما برای پس از مرگ خود فقط نسبت بیکسوم از ماترک خود مجاز است که وصیت کند .

حال با توجه بنکات مذکوره هر کس به سه نحو میتواند وصیتنامه خود را تنظیم کند و هر یک از این سه نحو وصیتنامه در حد خود معتبر است :

الف - بدقترا سناد رسمی مورد اعتماد خود مراجعه و وصیتنامه خود را

چگونه وصیتنامه
خود را تنظیم
کنیم؟

اعم از «عهدی» یا «تملیکی» طی سند رسمی تنظیم و امضا و ثبت نماید. و مخصوصاً اگر کسی قصد داشته باشد مال غیر منقولی را (از قبیل باغ و خانه و قنات و امثال آن) بعنوان وصیت تملیکی بکسی واگذار نماید توصیه می‌کنیم که این عمل را با وصیت رسمی انجام دهد زیرا مالا سریع الاثر تر و نتیجه بخش تر و تشریفات ارانه و تسجیل آن کمتر و بالاخره مطمئنتر است . همچنین اگر وصیت «عهدی» میکنید که «وصی» خود را ، موظف بانجام امور و تکالیف فوری پس از مرگتان میسازید ، یا کسی را بقیومت صغیری منصوب می‌نمایید ، باز مصلحت آنست که همین وصیت عهدی را نیز بصورت سندی رسمی تنظیم و تحریر کنید چرا که همان مزایایی را که برای وصیت تملیکی رسمی شمردم، برای این یکی نیز مترتب است .

ب - خودتان تمام آنچه را که بعنوان وصیت میخواهید بنویسید (مشروط بر آنکه بمطالعی که تاکنون در این نوشته خوانده‌اید توجه فرموده و آنچه را که مینویسید در چهار چوب مقررات باشد و مخالف شرع و دیانت رسمیتان نبوده و موجب از بین رفتن حق وراثت نگردد) بخط و دست خودتان بنویسید و تاریخ (روز و ماه و سال) تحریر آنرا در آن قید و

امضاء کنید (در هر چند نسخه که می‌خواهید) و هر کس که می‌خواهید بسپارید ، که ، اینان بموقع خود آنرا ابراز و یا بدادگاه صالح تسلیم نمایند .

بچنین وصیتنامه «خود نوشت» می‌گویند، و در حد خود معتبر است و قابل ارائه بوراات و تسلیم بدادگاه جهت صدور حکم مقتضی نسبت بتنفیذ آن خواهد بود ، اعم از آنکه این وصیت عهدی باشد یا تملیکی ، یا مشتمل بر هر دو موضوع .

لابد دقت کردید که وصیتنامه خود نوشت حتماً بایستی بخط دست خود وصیت‌کننده تحریر شده و بامضای او رسیده باشد نه اینکه دیگری آنرا نوشته باشد و یا با ماشین تحریر تهیه شده و فقط وصیت‌کننده آنرا امضاء کرده باشد .

ج - آنچه را که می‌خواهید وصیت کنید (اعم از عهدی یا تملیکی) خودتان بخط دستتان بنویسید و تاریخ آنرا بگذارید و امضاء کنید . یا آنچه را که می‌خواهید وصیت کنید، شخص دیگری بنویسد ، و یا با ماشین تحریر تهیه کند ، و فقط شما امضاء کنید و سپس آنرا در پاکت یا لفاف دیگری بگذارید و لاک و مهرش کنید و بعد آنرا با اداره ثبت اسناد محل بپس برید و در دفتر مخصوصی که در هر اداره ثبت برای قبول و نگهداری اسناد امانی موجود است بامانت بسپارید ، و تاریخ تسلیم آنرا با تمام حروف روی پاکت یا لفاف لاک و مهر شده قید و امضاء کنید . اداره ثبت پس از آنکه سند وصیت شما را پذیرفت در دفتر مخصوص این اسناد، آنرا ثبت و رسیدی مشتمل بر نمره و مشخصات پاکت یا لفافه امانت مزبور شما میدهد و بدیهیست استرداد این امانت بشما یا وراث قانونی شما یا بوصیتی که بعداً مخصوصاً او را برای پس گرفتن همین امانت معین خواهید کرد موکول پس دادن رسید تسلیمی اداره ثبت با اداره مزبور و حضور دو نفر شاهد است .

چنین وصیتنامه را « وصیتنامه سری » می‌گویند .

اداره ثبت یا هر مرجع دیگری که بموجب آیین نامه وزارت دادگستری برای قبول اسناد امانتی تعیین شود و سند امانت را قبول کرده باشد مکلفست بعد از اطلاع ب فوت وصیت‌کننده و وصیتنامه را به دادگاه بخشی که برای رسیدگی بامور راجع بترکه متوفی صالح است بفرستد تا دادگاه طبق تشریفات خاص و مقررات معینی آن وصیتنامه سری را باز کند و مفاد آنرا در صورت قابل ترتیب اثر بودن (یعنی در صورتیکه بر اساس راهنمایی‌هایی که در این مقاله شده است) اجرا نماید .

اینک اضافه مینماید که برابر ماده (۲۹۱) قانون امور حسبی هر وصیتی که بیکی از این سه صورت (از طرف اشخاص با سواد و در موارد عادی) واقع نشده، و تنظیم نگاشته باشد در مراجع رسمی پذیرفته نیست ، مگر اینکه اشخاص ذینفع در ترکه وصیت‌کننده، بصحت وصیت اقرار نمایند .

اکنون یکبار دیگر خلاصه از مقررات اصلی مربوط بوصیت را بر ابرقانون مدنی ایران باستحضار خوانندگان میرساند :

۱- هر کس میتواند وصیت یا وصایایی را که قبلاً تنظیم کرده است (خواه عهدی یا تملیکی) ابطال کند و از نو وصیت جدیدی بنویسد .

۲- هیچکس نمیتواند بیش از یکسوم (ثلث) از اموال خود را مورد وصیت تملیکی قرار دهد مگر آنکه وارث یا وارثانش حسب السهم خود میزان زاید بر ثلث را که شرعاً و قانوناً متعلق با آنها است اجازه دهند و وصیت را تنفیذ کنند .

۳- هیچکس نمیتواند بموجب وصیت يك يا تمام يا عده‌ای از وراث خود را از سهم الارثشان محروم سازد.

۴- آنکه وصیت بفتح او میشود و بموجب وصیت مالک مالی میگردد بایستی در زمان فوت وصیت کننده انسان زنده باشد و اگر در زمان فوت وصیت کننده جنین و در رحم مادر است، زنده بدنیا بیاید .

۵- وصیت نامه را به قسم میتوان تنظیم کرد:

الف - رسمی - که بایستی در دفتر اسناد رسمی تنظیم و ثبت شود و مقررات راجع با اسناد رسمی در آن رعایت گردد .

ب- خودنوشت - که اشخاص با سواد بایستی بخط خود بنویسند و تاریخ آنرا دقیقاً بگذارند و امضاء کنند .

ج- سری - که آنرا بخط خود مینویسید یا دیگری مینویسد و شما امضاء میکنید و سپس آنرا در لفاف یا پاکتی گذارده و لاک و مهر میکنید و به اداره ثبت اسناد یا هر مرجع دیگری که بموجب آئین نامه‌های وزارت دادگستری معین شود بامانت میگذارید و رسید میگیرید . همانطور که در ابتدای این نوشته خاطر نشان خواننده عزیز شد چون این مقاله با رعایت سادگی و اختصار تهیه شده است لذا از بحث و اشاره درباره بعضی مسائل مربوط بوصیت و اینکه چگونه عقدی است و مسائل طاریه بر وصیت از قبیل حبس مال یا ثلث برای مدت معین و صرف منافع آن از طرف وصی یا اوصیاء در مصارفی که وصیت کننده معین میکند و از قبیل وصیتهایی که اصطلاحاً بآن «منقطع الاخر» میگویند که اطلاع بر آن برای خوانندگان عادی ضرور نیست، خودداری شد .

